**شاهنامه ملت ترک**

**منصوری، ذبیح الله**

بزرگترین وسیله ابراز هنر و سرافرازی مصنفین شاهنامه ترک شعر سرودن بزبان فارسی است. این کتاب هم اکنون در استامبول هست و همه می‏توانند آن را ببینند.

در موزه کاخ«توپ‏قاپی»واقع در استامبول 1 چندین جلد کتاب خطی نفیس وجود دارد که یکی از آنها کتاب شاهنامه ترک موسوم به هنرنامه است.این کتاب بنمره یک‏هزاروپانصدوبیست‏وچهار(1524)در آن موزه ضبط شده مشتمل بر دو جلد است جلد اول 214 صفحه دارد و طول هر یک از صفحات چهل و نه سانتیمتر و عرض آن سی‏ویک سانتیمتر میباشد و جلد دوم مشتمل بر سیصد صفحه و طول هر صفحه چهل‏وسه و عرض آن بیست‏ونه سانتیمتر است.

در مقدمه این کتاب نوشته‏اند که هنرنامه مشتمل بر چهار جلد میباشد اما امروز بیش از دو جلد آن در دست نیست و دو جلد دیگر نوشته نشده.مصنفین این کتاب سه نفر هستند که هر یک در یک دوره، عهده‏دار نظم شاهنامه بوده‏اند.

اول کسی که درصدد برآمد شاهنامه ترک را بنظم تدوین کند شاعری موسوم به «فتح اللّه»بود و بعد از او شاعری دیگر موسوم به«افلاطون»و بعد از وی شاعری بنام «لقمان»عهده‏دار نظم شاهنامه ترک شدند.

در مقدمه جلد اول ناظم اولیه که فتح اللّه باشد میگوید«وقتی من شاهنامه فارسی را که سراینده آن ابو القاسم فردوسی میباشد خواندم فکر کردم که باید برای سلاطین آل عثمان نیز شاهنامه‏ای سروده شود و معتقدم که باید نام آنرا هنرنامه گذاشت تا با شاهنامه فردوسی مشتبه نگردد.

و نیز در مقدمه نوشته شده که جلدهای چهارگانه هنرنامه متضمن تواریخ ذیل است:

جلد اول از آغاز سلطنت آل عثمان تا سلطنت سلطان سلیم اول.

جلد دوم راجع بشرح سلطنت سلطان سلیمان اول.

جاد سوم درخصوص سلطنت سلطان سلیم دوم.

جلد چهارم راجع بدوره سلطنت سلطان مراد سوم.

تاریخ اتمام جلد اول درسال 996 هجری مطابق با 5187 میلادی(سیصدوشصت‏و سه سال قبل از این)میباشد.

(1)کلمه استامبول نام رسمی اسلامبول میباشد و با آنکه شکل صحیحی ندارد معهذا دولت ترکیه آن را بجای اسلامبول انتخاب کرده است.

تذکر این نکته لازم است که مطالب این دو کتاب همه شعر نیست بلکه نثر هم در آن دیده میشود و هر کتابی دارای یک عده تصاویر سبک مینیاتور است که بطور وضوح از روی مینیاتورهای ایرانی تقلید شده و مینیاتورها مناظر جنگ و تیراندازی و چوگان‏بازی را نشان میدهد.

نظم و نثر کتاب هر دو بزبان ترکی است و اشعار با خط نستعلیق و مطالب منثور با خط نسخ نوشته شده و نکته‏ای که برای ما ایرانیها جالب توجه میباشد اینست که شعراء و نویسندگان از هر فرصت مقتضی استفاده کرده‏اند که اشعار فارسی را در نظم و نثر بگنجانند.کسانی که در ادوار مختلف این کتاب را بنظم و نثر نوشته‏اند جزو کارمندان دولت بوده‏اند و عنوان رسمی آنها مورخ مملکت بوده است، زیرا سلطان محمد دوم موسوم به«فاتح»بعد از اینکه در سومین سال پادشاهی خود قسطنطنیه را گرفت و آن را پایتخت سلاطین آل عثمان نمود دستور داد که یک مؤسسه تاریخ‏نویسی بوجود بیاورند که وقایع سلطنت و مملکت را بنویسند و همواره وقایع‏نگارانی که عضو این مؤسسه بودند از بین علماء و فضلای معروف ترکیه انتخاب می‏شدند و همین‏طور که امروز عضویت آکادمی (فرهنگستان)برای ادباء و فضلاء وسیله کسب افتخار است در ترکیه نیز وقایع‏نگاری شغل محترمی محسوب میگردید که شاغل آن مقام معنوی بزرگی داشت.

بااینکه سلاطین آل عثمان در استبداد بودند هرگز آزاری باین دسته از علماء و فضلاء نمیرسانیدند و فقط لقمان که گفتیم یکی از مصنفین هنرنامه بود در زمان سلطنت سلطان محمد سوم چون نتوانست برای تاجگذاری شاه قصیده بموقعی تهیه نماید مغضوب گردید، و در سال 1004 هجری مطابق با 1595 میلادی عنوان«مورخ»را از او گرفتند و به «طارق زاده احمد جلبی»دادند، ولی همینکه سلطان محمد سوم عازم جنگ گردید لقمان را بشغل اولیه گماشت و عنوان مورخ را باو داد.

برای آنکه خوانندگان محترم متوجه گردند که نویسندگان و شعرای معروف ترکیه تا چه‏اندازه علاقه‏مند بزبان فارسی بوده‏اند و معلوم شود که زبان فارسی چه رونق و نفوذی در جهان داشته ما اشعاری را که در صفحه آخر جلد اول هنرنامه نوشته شده در اینجا ذکر می‏کنیم.

گرچه بعضی از این اشعار خیلی سست است ولی منظور اصلی ما نمودن رونق و نفوذ زبان فارسی در قرون گذشته میباشد و نظر بخوبی و بدی اشعار نداریم.

مرا جائزه زندگانی بس است

که در پیریم این جوانی بس است

چو از زندگی جان شود بهره‏ور

ز لطفش کفایت بود یک نظر

چو با گوشه چشم شاه جهان

توجه کند بنده را بی‏گمان

برآید از آن لحظه‏ام کام دل

فزاید بر او صبر و آرام دل

که بر بیدلان جمله دلدار اوست

متاع هنر را خریدار اوست

مرا فارسی بهره عمر گشت

خوشم زانکه دارم برین بهره دست

پس از من بدوران این روزگار

بماند همین نظم یک یادگار

بعد از این اشعار بزبان ترکی این یک سطر رامینویسد:

و تاریخ اختتامنه داخلی بو نظم له انتظام و یرلدی قطعه تاریخ!

یعنی برای تعیین تاریخ خاتمه یافتن این کتاب این قطعه سروده شد:

شاه سلیمان سپه نامدار

خصم‏شکن صاحب تخت و نگین

کرد هنرهای گزین در جهان

شد سبب ذکر جمیل گزین

ماند هنرنامه از او یادگار

بر همه اهل هنر کام‏بین

گشت موفق پی تکمیل آن

مادح دیرینه و عبد کمین

هاتف غیبیه بتاریخ سال

گفت«هنرهای شهنشاه دین»

و زیر مصراع آخر که هنرهای شهنشاه دین باشد نوشته‏اند(996)که ماده تاریخ خاتمه کتاب است.

نویسنده کتال هم مردی موسوم به علی الاطنوی بوده و در پایان صفحه از قول خود می‏نویسد:

ز یزدان رحمت عامه باو باد

که کاتب را بالحمدی کند یاد

و این بیت فارسی نشان میدهد که حتی کاتب هم زبان فارسی را میدانسته و یا لااقل معنی همین یک شعر فارسی را می‏فهمیده است.

در خاتمه این مختصر، این نکته را هم میخواهیم تذکر بدهیم که متأسفانه بین ایران و ترکیه آنطور که باید روابط فرهنگی و ادبی برقرار نیست زیرا حروف الفبای ترکیه عوض شده و لاتینی گردیده هموطنان ما نمیتوانند تواریخ و آثار ادبی ترکیه را امروز بخوانند اما کتابهای قدیمی باقی است گو اینکه از لحاظ مباله آثار فرهنگی گذشته نیز بین ترکیه و ایران روابط فرهنگی موجود نمیباشد.

هرگاه ما به تواریخ و کتب ترکیه دسترس داشتیم دیده میشد که حتی همین اواخر...یعنی یکصدوبیست سال پیش زبان فارسی درتمام امپراطوری عثمانی زبان ادبی و وسیله مباهات و ابراز برتری علماء و طبقات منور الفکر بود.درصورتیکه ایران بعد از ایجاد امپراتوری آل عثمان دیگر هیچ‏نوع نفوذ سیاسی در امپراتوری عثمانی نداشت ولی نفوذ فرهنگی و معنوی ایران سبب شده بود که زبان فارسی دومین زبان ملی امپراطوری عثمانی باشد. این حقیقت را هم باید دانست که ترکها بوسیله آشنائی با زبان فارسی توانستند که الفبای عربی(همین الفبای معمولی خودمان)را بشناسند و آن را برای مکاتبه مورد استفاده قرار دهند.

ترکها قبل از اینکه بزبان فارسی آشنا شوند و آنرا دوست بدارند دارای الفبای مشکلی بودند که بنام خط«گوک تورک»خوانده میشد و بعد از مدت نسبة مدیدی خط و الفبای«گوک تورک»جای خود را بخط و الفبای«اویگور»واگذاشت وهمین الفباء است که مورخین ما بنام خط«اویغوری»ضبط کرده‏اند و هنوز نمونه‏های آن باقی است.

اما بعد از اینکه زبان فارسی را شناختند الفبای «اویغوری»را دور انداختند و الفبای فارسی را پذیرفتند و البته تشرف بدین اسلام و لزوم خواندن و فراگرفتن قرآن نیز خیلی به ترکها کمک کرد که الفبای عربی رابیاموزند.

در ترکیه کتابها و اسناد تاریخی جالب توجهی هست که اگر ما بآنها آشنا میشدیم اطلاعات تاریخی جالب توجهی نصیب ما میشد.